

ترجمه انگلیسی این مقاله نیز با عنوان:
A Critique of Urban Design Framework Services Description
در همین شماره مجله به چاپ رسیده است.

نقد

نقدی بر شرح خدمات چارچوب طراحی شهری

کامران ذکاوت *

عضو هیئت علمی، دانشکده معماری و شهرسازی، دانشگاه شهید بهشتی، تهران، ایران.

تاریخ انتشار: ۱۴۰۱/۰۴/۰۱

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۰/۰۳/۲۱

تاریخ دریافت: ۱۴۰۰/۱۱/۱۶

چکیده

چارچوب طراحی شهری از گونه مطالعات و اسناد راهبر کیفی-کاربردی با رویکرد فرآیندمحور است که اصالتاً کاربرد آن نیازمند بسترهای رویه‌ای در انطباق با اسناد قانونی شهر است. فقدان وجود این بسترها و همچنین شناخت اصولی از محتوا و محصولات آن چالش‌هایی را سبب شده که کارایی انجام آن را در عمل زیرسؤال برده است. شرح خدمات رایج جهت تهیه مطالعات چارچوب طراحی شهری در ایران دارای چالش‌های کلیدی در برداشت از مفهوم و جایگاه این سند و به‌ویژه دارای تناقض در بعد رویه‌ای و فرآیند اقدامات است. همچنین آن‌گونه که در بندها و فزاهای مطالعاتی ذکر شده، شرح خدمات مذکور دارای ابهام در محتوای محصولات آن است. لیکن مشکل اساسی و کاربردی آن، چالش در چگونگی انطباق با اسناد قانونی فرادست است. شرح خدمات مورد ارزیابی حاوی دو سطح مطالعات است که لزوم انجام آن در قالب یک بسته ابزار نه‌تنها ضرورتی ندارد بلکه از نظر رویه‌ای و تحقق‌پذیری نامیسر است. ابزار ثانوی که تحت عنوان «طرح جامع سه‌بعدی» معرفی شده است اساساً در عنوان، ماهیت و کاربرد، ابهامات بنیانی دارد. مهم‌ترین چالش طرح جامع سه‌بعدی در بعد رویه، انجام همزمان آن با مطالعات چارچوب طراحی شهری است. طی این شرح خدمات، طرح جامع در فقدان حضور و مشارکت مخاطبین آن تهیه می‌شود و علاوه بر این دارای مشکلاتی در فرآیند اقدامات است. این سطح از شرح خدمات دارای چالش و ابهام جدی در ماهیت و محتوای محصولات است.

واژگان کلیدی: برنامه‌ریزی فضایی، پلان سیاست‌گذاری، طراحی شهری فرآیند محور، راهنمای طراحی، کد طراحی، راهبرد قانونی.

مقدمه

دانش طراحی شهری در سه دهه اخیر شاهد تحولات بنیادین بوده است، دامنه این تغییرات از طراحی شهری فرآورده‌محور (Product Oriented) تا طراحی شهری فرآیندگرا (Process Oriented) را در برمی‌گیرد. طراحی شهری سیاست‌محور و فرآیندگرا با مبنا قرار دادن هویت و کیفیت مکان و فضا بنیان برنامه‌ریزی فضایی است که ابتدا از کشورهای انگلوساکسون آغاز و سپس در کل جوامع اروپایی تعمیم یافت.

چارچوب طراحی شهری^۱ (Urban Design Framework) یکی از اسناد میان‌سطحی در مقیاس پهنه‌های خاص (Area Specific) است که بنیان چارچوب توسعه

(Development Framework) واقع شده و از اصلی‌ترین اسناد بالادستی برای تهیه اقدامات اجرایی پهنه (Action Area Plan) است. پارادایم برنامه‌ریزی فضایی متعاقب ناکارآمدی برنامه جامع کاربری و ضوابط، بنیان‌گذاری شد. طراحان و برنامه‌ریزان در غرب بر این باورند که در این رویکرد، تخصیص کاربری معمولاً بدون لحاظ توجهات ماهوی و تشخیص مکان و از همه مهم‌تر خواست جوامع صورت می‌گیرد، در این راستا عام‌بودن ضوابط سطح شهر، مشکل عدم انطباق فرم و عملکرد را با ذات، مکان و پهنه خاص تشدید می‌کند. بدین ترتیب مطالعات کیفی که برای پهنه‌ها و مکان‌های خاص صورت می‌گیرد، راهکاری در مقابل برنامه جامع کاربری و ضوابط، ملاک عمل قرار گرفت.

استفاده از سند چارچوب طراحی شهری که اصالتاً از گونه

* ۰۹۱۲۱۹۴۹۱۵۶@zekavatk@gmail.com

مربوط به کیفیت و هویت مکانی) یک پهنه در حال تغییر و تحول تدوین می‌شود. به طوری که توسعه‌ها عمدتاً به صورت لکه‌ای و پهنه‌ای براساس توانمندی‌های کیفی مکان شکل می‌گیرد و در این فرآیند قابلیت‌های مکانی حفظ و ارتقاء می‌یابند. در این راستا استنادات و ارجاعات مکانی خروجی این مطالعات عمدتاً جهت تشخیص و تعیین نقش فرصت‌های تغییر و توسعه تدوین می‌شود و فاقد شفافیت‌های دقیق هندسی و جغرافیایی بوده و تنها حاوی رهنمودهای طراحی جهت پهنه-های خاص است. خروجی کلیه سطوح مطالعات طراحی شهری در پارادایم برنامه‌ریزی راهبردی - محلی (Strategic Plan / Local Plan) که سند قانونی سطح شهر آن «طرح توسعه» (Development Plan) نام دارد به عنوان راهنما (Guidance) طبقه‌بندی شده است و محتوای آن شامل مطالعاتی است که صرفاً دربرگیرنده ابعاد کیفی محیط می‌شود (Mastop & Faludi, 1997; Needham, 2000). این مطالعات شامل: ۱. استراتژی طراحی شهری، ۲. چارچوب طراحی شهری و ۳. دستور کار طراحی شهری، است و به عنوان راهنمای طراحی انضمامی (Supplementary Design Guidance) و توصیه‌های مشورتی (در مواردی که ضروری باشد) ضمیمه اسناد قانونی شهر (Development Plan) می‌شود و استناد به آن الزام‌آور نیست. همان‌گونه که ذکر شد محتوای مطالعات در فرآیندهای شناخت، سنجش و سیاست‌های طراحی صرفاً متوجه ابعاد کیفی و ماهوی یعنی توجهات فضایی، کالبدی، بصری و عرصه عمومی است. لیکن در پارادایم برنامه‌ریزی فضایی که سند سطح شهر آن چارچوب توسعه محلی (Local Development Framework - L.D.F) نام دارد (Christmann, Ibert, Jessen & Walther, 2011; Morphet, 2020) و محتوای محصول آن از نوع چارچوب‌های سیاست‌گذار است (Policy Framework). توجهات کیفی از نوع «سیاست طراحی» (Design Policy) بنیان سند را تشکیل می‌دهد و از مقیاس راهبردی متکی به استراتژی‌های طراحی شهری تا مقیاس‌های پهنه‌ای، جملگی در اسناد قانونی برنامه‌ریزی فضایی قویاً منعکس می‌شوند. به همین دلیل اگر مطالعات کیفی مستقلی نیز برای پهنه‌ها و یا سایت‌های ویژه انجام شود، به عنوان اسناد طراحی شهری (Urban Design Documents) و نه راهنمای توصیه‌ای تلقی شده و در بدنه اسناد قانونی شهر جا می‌گیرد و از الزامات اسناد توسعه است.

مطالعات پهنه‌های گسترده به نام طرح پهنه‌های عملیاتی (Action Area Plan) زیرمجموعه اسناد (LDF) هستند که حاوی اسنادی مانند چارچوب توسعه (Development Framework) و دستور کاری توسعه (Development Brief) هستند (Morphet, 2011) چارچوب توسعه متشکل از چارچوب طراحی شهری و چارچوب برنامه‌ریزی همزمان است، به عبارت دیگر چنانچه مقرر

اسناد فرآیندمحور بوده بیش از یک دهه است که در جوامع غربی متداول است. کاربرد این سند در تطابق با اسناد قانونی برنامه توسعه شهری است و الزاماً با رویکرد راهبردی تهیه می‌شود. سیاست‌های طراحی این سند قابل تلفیق در چارچوب سیاست‌گذاری برنامه توسعه (چارچوب توسعه محلی) است. در ایران این سند مورد برداشت و تلقی متفاوت، متناقض و مبهمی واقع شده و در این راستا و تحت همین عنوان شرح خدماتی برای آن تدوین شده که با ماهیت و محتوای اصلی آن تناقضات بنیادینی از بعد رویه‌ای و ماهوی دارد. مهم‌ترین چالش این تناقضات در چگونگی تلفیق آن با اسناد قانونی شهر است به گونه‌ای که محتوای محصولات فرآیندگونه آن، امکان ادغام با اسناد دوسطحی، جامع-تفصیلی با محتوای کاربری و ضوابط ساخت را ندارد و اساساً سیاست‌های طراحی در بعد معنایی و ادراکی و توجهات کیفی مانند هویت و حس مکان در این اسناد ملموس و قابل ارائه نخواهد بود و کلیه تصمیمات چگونگی توسعه مکان قبلاً در جامعیت اسناد کاربری و ضوابط اتخاذ شده است. اسناد بالغ طراحی شهری در یک فرآیند چندسطحی، در کلیه خروجی‌های مقیاس سطح شهر تا سطح مکان‌های خاص هم‌پیوند شده و ارزش‌های محیطی و مکانی در کلیه سطوح محصولات اسناد قانونی شهر حضور بارز دارند. از چالش‌های کلیدی تلفیق اسناد کیفی با برنامه‌های توسعه فعلی، فقدان قوانین جامع شهرسازی کشور است که بازنگری در آن، موانع عملیاتی را از سر راه برداشته و هم‌پیوندی اسنادی را تسهیل کند. فرازهای عملیاتی و محصولات اسناد کیفی اساساً جهت هم‌پیوندی و تلفیق با رویکردهای برنامه‌ریزی از نوع برنامه‌ریزی فضایی تدوین شده و ماهیتاً نیازمند تلفیق در فرآیندهای چندسطحی با رویکرد فوق است. آموزش این تکنیک از دانش طراحی شهری اخیراً در برخی محیط‌های آموزشی و مدارس طراحی شهری مطرح در ایران صورت گرفته است، لیکن متأسفانه برداشت‌های یکسان و اصولی از آن در ایران وجود ندارد و همین امر سبب شده که جامعه کارفرمایی و جامعه حرفه‌ای نیز هر یک برداشت و تفاسیر سلیقه‌ای از این رویکرد داشته باشند. شرح خدمات مورد نقد نیز که ملاک استفاده کارفرمایان واقع شده از جمله این چالش‌هاست که جهت بررسی به گروه طراحی شهری انجمن صنفی مهندسين مشاور معمار و شهرساز ارجاع شد و مورد ارزیابی قرار گرفت که نهایتاً مبنای نقد حاضر است.

چارچوب طراحی شهری

• چالش در مفهوم چارچوب طراحی شهری

واژگان چارچوب طراحی شهری اصالتاً در اسناد برنامه‌ریزی انگلستان از دوران پارادایم برنامه‌ریزی راهبردی - محلی (French, 1988; Salet & Faludi, 1999) به منظور تدوین مجموعه‌ای از سیاست‌های طراحی (در ارتباط با قابلیت‌های

محسوب می‌شود) و به مفهوم بررسی و بازشناسی اجزاء پدیده تجزیه در فرآیند شناخت است و مرحله «تحلیل» که همان سنجش وضعیت است به منزله ممیزی و ارزیابی کیفی و کمی پدیده است و فرآیند تصمیم، ارائه راه‌حل در جهت برطرف کردن چالش و جهت‌دهی به مسیر مطلوب است. لیکن در شرح خدمات از واژگان سنجش وضعیت در بند ۲-۲-۲ به عنوان شناخت وضعیت استناد شده و در ادامه بند ۲-۲-۳ مجدداً از واژگان سنجش وضعیت به عنوان تحلیل شرایط بهره گرفته شده، که لازم است در این دو مرحله از فرآیند مطالعات، واژگان متفاوت استفاده شود.

چنانچه قرار باشد این مطالعات «چارچوب طراحی شهری» تلقی شود در آن صورت در مرحله شناخت وضعیت (همان‌گونه که شرح خدمات به بعد ماهوی اشاره می‌نماید) قاعدتاً باید صرفاً تشخیص ابعاد ماهوی کیفیت و هویت ملاک عمل باشد، به عبارت دیگر ذات و جوهره اشیاء در تشخیص عینیت مکان و تجربه ناظر از آن موضوع بعد ماهوی است و تنها شامل ابعاد کیفیت محیط در طراحی شهری می‌شود که این ابعاد شامل «بعد فضایی»، «بعد بصری»، «بعد کالبدی» و «کیفیت عرصه عمومی» مکان است (ذکاوت، ۱۳۹۷). بدیهی است برای هر یک از این ابعاد پدیده عینیت خارج از ذهن و تجربه درونی ناظر مطرح است و به عبارت دیگر ادراک ذهنی یک بعد مستقل نبوده و توجهات عینی و ذهنی برای هر یک از ابعاد ذکر شده همزمان ضروری است و باید از ناظر انعکاس داده شود.

در بند ۲-۲-۲ ب به نظام استخوان‌بندی فضاهای همگانی داخل پراکنش استخوان‌بندی فضایی اشاره شده و در زیرمجموعه آن به موضوعات و مفاهیمی پرداخته شده که مربوط به نظام عرصه‌های عمومی است. قابل ذکر است که نظام یا استخوان‌بندی فضایی که یکی از ابعاد مهم کیفیت محیط است موضوعات و مفاهیم متفاوتی را در ماهیت بالفعل و تصمیم‌سازی مکان شامل می‌شود که از کلیدی‌ترین مباحث طراحی شهری به شمار می‌رود. همان‌گونه که اشاره شد در سند چارچوب طراحی شهری در مرحله شناخت وضعیت تنها ابعاد ماهوی کیفیت و هویت مکانی مورد بررسی و شناخت عینی و ذهنی واقع می‌شود و این ابعاد شامل مؤلفه‌های فضایی، بصری، کالبدی و عرصه عمومی است. شناخت وضعیت در سطح پهنه راهبردی تأکید بر نظم فضایی، نظم بصری و نظام عرصه عمومی و مقیاس برداشت در این سطح ماهیت استراتژیک دارد. در مرحله سنجش وضعیت تهیه نقشه‌های مکانی سوات از جایگاه ویژه‌ای برخوردار است و در تدوین پلان سیاست‌گذاری نقش کلیدی دارد، که شرح خدمات در این خصوص خاموش است.

در بند ۴-۴ نقشه چارچوب طراحی شهری همان پلان سیاست‌گذاری (PolicyPlan) است که معرف موقعیت مکانی سیاست‌های طراحی در کلیه مؤلفه‌های کیفی و ماهوی است

شود که مطالعات برنامه‌ریزی کاربری و حمل‌ونقل و زیرساخت‌ها همزمان با اسناد طراحی شهری صورت پذیرد دیگر نام این سند «چارچوب توسعه» است. البته ممکن است که در سند چارچوب توسعه (LDF) برای مکان‌ها و پهنه‌هایی، انواع مطالعات تخصصی مانند مطالعات ویژه اکولوژیک یا اجتماعی و ... پیش‌بینی شود. بر این اساس نظر به اینکه شرح خدمات مورد نظر حاوی اسناد برنامه‌ای نیز هست، لذا نام سند ضروری است از «چارچوب طراحی شهری» به «چارچوب توسعه» اصلاح شود و چنانچه قرار باشد چارچوب طراحی شهری باشد، لازم است صرفاً بر ابعاد کیفی محیط متمرکز شود.

• چالش در بعد رویه‌ای و فرآیند تهیه طرح

- چالش جایگاه پهنه راهبردی، خروجی و محتوای سطوح تصمیم‌سازی

همان‌گونه که اشاره شد رویکرد راهبردی و فرآیندمحور به مطالعات طراحی شهری ایجاب می‌کند که جهت‌گیری‌ها و تصمیم‌سازی‌های کلیدی و کلان‌مقیاس در فرآیندهای فرادست تدوین و دستور کار مطالعات فرودست واقع شود. چنانچه نقش و جایگاه پهنه چارچوب طراحی شهری در مطالعات فرادست طراحی شهری (استراتژی طراحی شهری سطح شهر) تدوین شده باشد در آن صورت نیاز به این مرحله از فرآیند کار نیست، لیکن چنانچه تصمیم‌سازی در این سطح صورت نگرفته باشد ضروری است ابتدا پهنه مطالعات راهبردی تعریف و سپس تصمیم‌سازی کلان و رهنمودهای کیفی چارچوب راهبردی توسعه تدوین شود. بر این اساس این رهنمودها لازم است قبل از شروع مطالعات چارچوب تدوین شود که طی آن رویکرد و روش انجام مطالعات چارچوب مشخص شود. این در حالی است که در شرح خدمات، تولید چشم‌انداز و خروجی‌های پهنه راهبردی در خروجی مطالعات چارچوب منتقل شده است. محتوای تصمیم‌سازی در پهنه راهبردی شامل چشم‌انداز^۲ و اهداف و راهبردهای مکانی است که در شکل نظم فضایی پهنه راهبردی (شامل پهنه چارچوب) می‌شود؛ بدین ترتیب نظم فضایی پهنه راهبردی در تداوم و مکمل نظم فضایی پهنه چارچوب خواهد بود. باتوجه به مراتب فوق مطالعات حوزه راهبردی به منظور تدوین این موارد است:

- نقش و جایگاه پهنه چارچوب

- تدوین دستور کار نوع مطالعات پهنه چارچوب

- تدوین چشم‌انداز و راهبردهای توسعه پهنه چارچوب

براین اساس ضروری است، خروجی مطالعات راهبردی قبل از آغاز مطالعات چارچوب و با مأموریت راهبردی آن انجام شود. مطالعات طراحی شهری از بعد رویه‌ای شامل فرآیند شناخت وضعیت، سنجش وضعیت و تصمیم‌سازی است. رویکرد نیوپازیتو به طراحی شهری این فرآیند را تجزیه، تحلیل و تصمیم‌گیری می‌کند که (سه مرحله کلیدی در بعد رویه‌ای

«نقشه چارچوب طراحی شهری انعکاس فضایی - جغرافیایی سیاست‌های طراحی شهری است. که براساس طرح مفهومی پهنه در قالب یک نقشه دیاگراماتیک ارائه می‌شود».

«نقشه چارچوب الگوی کلی توسعه پیشنهادی کاربری زمین، حرکت و دسترسی، فضاهای همگانی، فرم کالبدی و منظر شهری را ارائه می‌دهد». همان‌گونه که در توضیح محتوای طرح مفهومی در شرح خدمات اشاره شده «طرح مفهومی» ماهیتاً یک نقشه دیاگراماتیک است که قرار است به نوعی انعکاس فضایی - جغرافیایی سیاست‌های طراحی مکان‌ها را سازماندهی کند. لذا از توصیف آن استنباط می‌شود که طرح مفهومی (Conceptual Design) ایده طراحی یک الگوی کلان‌مقیاس است. این محتوا انحرافی از پارادایم‌های گذشته طراحی شهری مربوط به دوران ادموند بیکن بوده که در تقابل با ماهیت طراحی شهری بالغ و فرآیندمحور است. به عبارت دیگر «طرح مفهومی» یک نوع ایده (Concept) نظم‌دهی و انضباط‌بخشی به سیاست‌های طراحی مکان‌ها در چارچوب طراحی شهری است. در واقع این نظم‌دهی تأکیدهایی است که جهت تسهیل ارتباط فضایی مکان‌ها و مکان سیاست‌ها و کانون فعالیت‌ها صورت می‌گیرد و این نظم‌دهی بر ادراک شهروندان از چیدمان فضایی فعالیت‌ها و تبعات کالبدی آن‌ها (نشانه‌ها و تجسم‌پذیری مکان‌ها) تأثیر گذار است.

مفاهیم ذکر شده فوق در واقع تعریف «سازمان فضایی» پهنه چارچوب طراحی شهری است و استفاده از عنوان طرح مفهومی (Design Concept) برای این مقوله نامناسب است. بنابراین استخوان‌بندی فضایی آتی فرصت‌ها و کانون‌های توسعه دو مفهوم و محتوا را متجلی می‌کند:

۱. الگوی استراتژیک نظم فضایی که انضباط راهبردهای مکانی و فرصت‌های سطح شهر یا پهنه راهبردی است.

۲. الگوی سازمان فضایی که انضباط مکانی سیاست‌های طراحی فرصت‌ها در سطح پهنه چارچوب است.

الگوی نظم فضایی در سطح پهنه چارچوب، مأموریت انسجام خشی فرصت‌های کلیدی توسعه مکان‌ها، کانون‌های فعالیت و عملکرد عناصر نشانه‌ای، دروازه‌ها و فرصت‌های دروازه‌های، محورهای مجهز شهری، پهنه‌های اکولوژیک و ... را در جهت شکل‌دهی به سازمان فضایی جدید پهنه به عهده دارد. نظم فضایی جدید به کمک مطالعات پهنه راهبردی، مأموریت انسجام بخشی استخوان‌بندی فضایی پهنه چارچوب را با پهنه راهبردی به عهده دارد. به عبارت دیگر در انتخاب گزینه‌های مختلف نظم فضایی پهنه چارچوب، برای رسیدن به آترناتیو بهینه، ضروری است هم‌پیوندی مطلوب با چیدمان عناصر نظم فضایی (محورهای فعالیت، کانون‌های فعالیت عناصر شاخص نشانه‌ای، دروازه‌ای و غیره) را داشته باشد.

• چالش در انتخاب گزینه مفهومی

انتخاب و بهینه‌سازی الگوی مفهومی سازمان فضایی از مهم‌ترین

که الگوی استراتژی سازمان فضایی عامل انسجام و هم‌پیوندی این مکان‌ها می‌شود. مهم‌ترین عنصر انتقال شفاف‌سازی سیاست‌های طراحی و پلان سیاست‌گذاری راهنماهای طراحی در تداوم سیاست‌های طراحی در دیسپلین‌های مختلف بوده و از محصولات کلیدی و پایه چارچوب طراحی شهری محسوب می‌شود که شرح خدمات پیشنهادی از آن غافل مانده است.

در بند ۵ - ۴ تدوین ساختار حوزه‌های طراحی، به منظور شفاف‌سازی موضوع از واژه لاتین (CharacterAreaStructureMap) کمک گرفته شده است. در ابتدا لازم به توضیح است که منظور از واژگان نقشه پهنه‌های هویت‌مند (CharacterArea) در نظم کالبدی نقشه پهنه‌بندی گونه‌های مرفولوژی است که به لحاظ نظم چیدمان، ریزدانه‌گی و همچنین گونه‌های مسلط سیمای شهری (در نظم بصری) و هویت کالبدی - بصری دارای تمایزات هویتی با یکدیگر هستند و این مهم ایجاب می‌کند که در فرآیند سیاست‌گذاری، کدها و راهنماهای طراحی جهت حفظ و ارتقاء تمایزات هویتی مدنظر قرار گیرد. لیکن احتمالاً منظور شرح خدمات معرفی فرصت‌های مکانی است که پهنه‌ها و مکان‌های طرح‌های موضعی را تشکیل می‌دهند. در این خصوص لازم به توضیح است که مهم‌ترین مأموریت الگوی سازمان فضایی پهنه چارچوب برقراری یک انضباط فضایی بین مکان‌های فعالیت‌های بالفعل با مکان‌های فعالیت‌های بالقوه و فرصت‌های مکان‌سازی توزیع جدید فعالیت می‌باشد و این سازمان فضایی محدود به حریم چارچوب نبوده و به فعالیت‌ها و کانون‌های پهنه راهبردی نیز مرتبط می‌شود و سازمان فضایی چارچوب‌مند و در تداوم و هم‌پیوندی با سازمان فضایی پهنه راهبردی خواهد بود. به همین دلیل مهم‌ترین خروجی مطالعات راهبردی در مرحله نخست ترسیم الگوی سازمان فضایی است که شامل پهنه چارچوب نیز می‌شود. بدیهی است که کلیه مطالعات در سند LDF دارای ماهیت رفت‌وبرگشتی است و این محتوای محصولات «راهبرد کانونی» (CoreStrategy) است که در مرحله تشخیص کیفیت و هویت مکان‌ها و با تصمیمات اجتماعات محلی راهبرد کانونی نیز که بخشی از چشم‌انداز است متحول شده و فرآیند بازخورد (Review) به گونه‌ای سالیانه انجام می‌شود.

در بند ۵ تحت عنوان «برنامه اقدامات» آمده که مأموریت این بخش تهیه مجموعه دستور کارهای طراحی شهری (UD.Brief) برای سایت‌ها و همچنین تهیه اهداف، اصول و رهنمودهای طراحی جهت تهیه طرح جامع سه‌بعدی طراحی شهری برای حوزه‌های ویژه است.

• چالش در محتوای محصولات

- چالش در ماهیت طرح مفهومی

در شرح خدمات (بند ۴-۴) طرح مفهومی بدین‌گونه تعریف شده است:

دارد که با توجه به چشم‌انداز کلان و سازمان فضایی، نقش و جایگاه فرصت‌های توسعه معرفی و شامل سیاست‌های طراحی و راهنمای طراحی نیز می‌شود (Morphet, 2011).

• چالش در انطباق با طرح تفصیلی

محتوای یک چارچوب تصمیم‌سازی فرآیندمحور (Process Oriented) و سیاست‌گذار چندسطحی طراحی شهری با جامعیت طرح تفصیلی یک‌سطحی محصول‌محور (Product Oriented) و قطعیت‌گرا قابلیت انطباق ندارد. سیاست‌های طراحی یک چارچوب طراحی شهری با سیاست‌های راهبردی سطوح فرادست و اصول طراحی سطوح پایین دست (که در تداوم چشم‌اندازها و راهنماهای طراحی، همچنین در انطباق با محیط‌های جغرافیایی و مکانی سازماندهی شده است) با رویکرد یک طرح تفصیلی در تقابل است. پارادایم برنامه‌ریزی فضایی و سند منعطف سطح شهر در این چارچوب توسعه (L.D.F) که سیاست‌های آن سالیانه پایش می‌شود با سند قطعیت‌گرای کاربری زمین و ضوابط اجرایی آن هیچ‌گونه همسویی ندارد (Dühr, 2007; Morphet, 2011). سیاست‌های طراحی یک چارچوب طراحی شهری تنها با اسناد برنامه‌ای فرآیندمحور در تداوم راهنماها و کدهای طراحی قابلیت عملیاتی شدن دارد. در برنامه‌ریزی فضایی اسناد برنامه‌ای و تفصیلی چارچوب طراحی شهری و یا چارچوب توسعه (Development Frame Work) در قالب طرح حوزه‌های عملیاتی (Action Area Plan) اجرایی می‌شوند. تصمیمات فرادست (سطح شهر) به صورت عام (سیاست‌های راهبردی) گرفته می‌شود و در اسناد پهنه‌های عملیاتی جزئیات آن تصمیم‌سازی و در صورت نیاز اسناد تفصیلی تر مانند دستور کار توسعه و یا کد طراحی تهیه می‌شود؛ بدین ترتیب طرح تفصیلی در این راستا جایگاهی ندارد. این مهم در ایران زمانی محقق می‌شود که قوانین جامع شهرسازی کشور بنیان‌های پارادایم بالغ تصمیم‌سازی را پایه‌گذاری کند.

طرح جامع سه بعدی (فضایی)

• چالش در جایگاه، محتوا و بعد رویه‌ای طرح

شرح خدمات اساساً به این هدف طرح جامع ورود نکرده و دریافتی از تمایلات توسعه‌دهندگان و بهره‌برداران ندارد. محتوا و محصول شرح خدمات حاکی از آن است که درک صحیح و اصولی از ماهیت و اهداف طرح جامع فضایی وجود ندارد.

- چالش در عنوان طرح

در صورتی که شرح خدمات اساساً به این هدف طرح جامع ورود نکرده و دریافتی از تمایلات توسعه‌دهندگان و بهره‌برداران ندارد. در اسناد چارچوب توسعه محلی (LDF) فرصت‌های مکانی جدید که متأثر از کیفیت و هویت مکان شکل می‌گیرد بنیان پارادایم برنامه‌ریزی فضایی را تشکیل می‌دهند. بر این اساس اسناد توسعه این مکان‌ها در چارچوب توسعه محلی از بعد «فضا»، «فضایی»

ابعاد برنامه‌ریزی راهبردی است، از آن‌جا که انتخاب تصمیمات از جنس راهبرد و سیاست در یک حوزه با دیسپلین‌های مختلف می‌تواند تأثیرات سوء بر تصمیمات سایر حوزه‌های تصمیم‌سازی داشته باشد، لذا این محتوا از ماهیت تصمیم‌سازی الگوی مفهومی که از گونه فرآورده‌محور است، خارج بوده و لازم است چیدمان و انتخاب راهبردها و سیاست‌های هر گزینه با یکدیگر همسو باشند. ارزیابی گزینه‌های مختلف چیدمان راهبردها هر یک گزینه‌ای از «الگوی استراتژیک» سازمان فضایی را تشکیل می‌دهند و فرآیند تحلیل ویژه‌ای را ایجاد می‌کند. از سوی دیگر الگوی سازمان فضایی پهنه چارچوب الزاما در تداوم الگوی استراتژیک نظم فضایی است که از سطح پهنه راهبردی به داخل پهنه چارچوب تداوم می‌یابد، بهینه‌سازی مجموعه این پدیده‌های فضایی تنها به روش «تحلیل انتخاب راهبردی» (AIDA) صورت می‌گیرد و الگوی بهینه استراتژی سازمان فضایی تنها از طریق تحلیل حوزه‌های هم‌پیوند تصمیمات راهبردی (Analysis of inter connected Decision Area) میسر است (Harary, Jessop, 1965; luckman & stringer, 1965).

• چالش در محتوای عنوان و محصولات (پروژه‌ها)

در شرح خدمات، تهیه دستور کار طراحی شهری برای کلیه سایت‌ها و فرصت‌های توسعه در نظر گرفته شده است، در صورتی که دستور کار طراحی شهری یک سند طراحی شهری مستقل با شرح وظایف مستقل از چارچوب طراحی شهری است. لازم به توضیح است که دستور کار طراحی شهری خود یک سند طراحی شهری مستقل است که تهیه آن برای کلیه فرصت‌ها خارج از مأموریت چارچوب طراحی شهری بوده و لازم است در زمان فراهم شدن بستر تحقق‌پذیری هر سایت یا پهنه این سند متناسب با شرایط گروه‌های ذینفع و بهره‌بردار (Stake Holders) تهیه شود (Strydom, Puren & Drewes, 2018). این مهم شامل سند جامع سه‌بعدی (طرح جامع فضایی Spatial Master Plan) نیز می‌شود. از آن‌جا که زمان چشم‌انداز تحقق این اسناد بسیار کوتاه است و بسته به تقاضاهای گروه‌های سرمایه‌گذار که بعدها مشخص می‌شود نیز خواهد بود، لذا تهیه آن‌ها از قبل و هنگام تهیه سند چارچوب طراحی شهری میسر نخواهد بود. بر این اساس تهیه دستور کار طراحی شهری برای کلیه و یا حتی یک مورد از سایت‌ها و فرصت‌های توسعه، همزمان با تهیه چارچوب طراحی شهری الزامی نیست. آنچه که برای تعریف سایت‌ها و فرصت‌های معرفی شده در چارچوب طراحی شهری مورد انتظار است تعیین نقش و جایگاه آنها متناسب با چشم‌انداز و اهداف چارچوب و معرفی کلی ماهیت توسعه است. لیکن مهم‌ترین محصول اسناد طراحی شهری در پارادایم برنامه‌ریزی فضایی تولید چشم‌انداز و رهنمودهای عملیاتی برای انجام مطالعات تفصیلی تر طراحی شهری جهت طرح‌های موضعی است. این مهم «راهبرد کانونی» (Core Strategy) نام

فرآیند کار در مرحله چارچوب راهبردی «دستور کار توسعه سایت» محسوب می‌شود.

همان‌گونه که در بخش اول اشاره شد تهیه دستور کار طراحی شهری برای فرصت‌های توسعه در مأموریت چارچوب طراحی شهری نبوده و تهیه دستور کار طراحی شهری یک طرح مستقل پس از تهیه چارچوب است. «راهبرد کانونی» به عنوان یکی از خروجی‌های چارچوب برای تعیین تکلیف و تعیین نقش فرصت‌ها است و در حد دستور کار وارد عمل نمی‌شود (ذکاوت، ۱۳۹۷). از سوی دیگر در فرآیند تهیه طرح جامع فضایی مرحله نخست آن نیز با محتوا و خروجی دستور کار متفاوت است، به طوری که در این مرحله بخش مهم موضوع دریافت چشم‌انداز مخاطبین طرح است که تدوین رهنمودهای توسعه طرح در آلترناتیوهای مختلف تدوین و نهایتاً بهره‌برداران اصلی طرح یعنی اجتماعات محلی در انتخاب بهینه آن نقش دارند (Morphet, 2011; Roodbol-Mekkes & van den Brink, 2015). مهم‌ترین مأموریت این مرحله دستیابی به معیارها و اصول طراحی ملاک شکل‌دهی به طرح جامع است که تلفیقی از رهنمودهای مطالعات فرادست و مرحله شناخت تفصیلی مکان است (Faludi, 2000). مأموریت کلیدی طرح جامع فضایی دستیابی به نقش عملکردی و تراکم کالبدی پهنه توسعه است، به گونه‌ای که سرمایه‌گذاری آن برای گروه‌های ذینفع توجیه‌پذیر باشد. لذا مطالعات امکان‌سنجی اقتصادی توسعه مکان نیز از الزامات طرح محسوب شده و خروجی‌های عملکرد و فعالیت همچنین تراکم کالبدی نهایتاً با این رویکرد تعیین می‌شود^۳ (Morphet, 2011; Roodbol-Mekkes & van den Brink, 2015). بنابراین به منظور برآورد هزینه و فایده طرح، برآورد دقیق سطوح و هزینه اجرا همچنین نوع فعالیت سودآور در آن ایجاب می‌کند که مشخصات کالبدی و عملکردی دقیق قابل حصول باشد. این مهم دلیل اصلی تهیه طرح جامع فضایی به منظور انجام مطالعات امکان‌سنجی اقتصادی است. در حالی که شرح خدمات ارائه‌شده اساساً متوجه این مأموریت کلیدی طرح جامع در مرحله بهینه‌سازی گزینه‌ها نبوده است.

از بعد رویه‌ای آلترناتیوسازی و ارزیابی گزینه‌ها اقدامی کلیدی در فرآیند تهیه طرح جامع به شمار می‌رود، به ویژه که آلترناتیوها براساس فرصت‌های مختلف و اصول و رویکردهای متفاوت به عملکرد و فعالیت و در نتیجه هزینه/فایده متفاوت تهیه می‌شود. فرآیند ممیزی تا مراحل پیشرفته طرح قوام می‌یابد، تا امکان تصمیم‌گیری و تصمیم‌سازی را برای کلیه طرف‌های درگیر همچنین مدیریت شهری فراهم سازد. بدیهی است بهره‌برداران که اجتماعات محلی هستند مهم‌ترین سهم را در تصمیم‌گیری انتخاب و یا تولید یک گزینه ترکیبی جدید ایفا می‌کنند (Christmann et al., 2020; Dühr, 2007; Strydom et al., 2018).

و «فضائیت» (Space, Spatial, Spatiality) حاوی دو مأموریت کلیدی هستند (Davoudi & Strange, 2008):

۱. برقراری نظم فضایی با سایر مکان‌ها و کانون‌ها، به عبارت دیگر به عنوان عنصری جدید در جهت تکامل سازمان فضایی LDF عمل می‌کنند.

۲. شکل‌دهی به فضاهای شهری درون و همجوار سایت.

بر این اساس منظور از واژگان «فضایی» (Spatial) «سه‌بعدی» نبوده بلکه تکامل انضباط فضایی شهر با سایت طرح جامع است. بنابراین عنوان این سند در ادبیات اصلی «طرح جامع فضایی» (Spatial Master Plan) است. اساساً در پارادایم برنامه‌ریزی فضایی در مقیاس شهر که ماهیتاً از توسعه تدریجی سایت‌ها، مکان‌ها و پهنه‌ها شکل می‌گیرد انضباط فضایی موضوع کلیدی است و طرح‌های جامع فضایی در این راستا مفهوم یافته و جایگاهی ویژه دارند.

- چالش در فقدان حضور مخاطبین در طرح (به عبارت دیگر ابهام در هدف از تهیه طرح)

هدف کلیدی طرح جامع فضایی تجلی خواست گروه‌های ذی‌مدخل و انطباق آن با خواست بهره‌برداران و دستگاه نظارت بر کنترل است. بدین ترتیب مهم‌ترین مأموریت طرح، شناسایی و مواجهه با چشم‌انداز گروه‌ها، ارگان‌ها، توسعه‌دهندگان و سرمایه‌گذاران (Stake Holders) است (Christmann et al., 2020; Strydom et al., 2018). لذا شناسایی و دریافت چشم‌انداز گروه‌های ذینفع و تصمیم‌گیر در اولویت است که طرح جامع در جهت شکل‌دهی به این هدف گام برمی‌دارد. طرح جامع فضایی یک سند قانونی راهبردی توسعه نیست. بلکه ماهیتاً یک ابزار تبادل نظر جهت رسیدن به تفاهم میان طرف‌های درگیر و دستگاه نظارت و کنترل طرح است. همچنین به عنوان ابزاری جهت پیدا کردن سرمایه‌گذار است. همچنین جهت محاسبه دقیق هزینه-فایده به منظور توجیه اقتصادی طرح است. همچنین جهت مجاب کردن اجتماعات محلی از مناسبت شکل توسعه در هم‌جواری ایشان و سودآوری خدمات برای ذینفعان است.

• چالش در بعد رویه‌ای و فرآیند اقدامات

این مطالعات که یکی از طرح‌های تفصیلی طراحی شهری است می‌تواند زیرمجموعه چارچوب طراحی شهری باشد یا مستقلاً مطرح شود، لیکن، مرحله‌ای مستقل از چارچوب طراحی شهری به شمار می‌رود. مطالعات فرادست طرح جامع فضایی از دو منظر قابل تدوین است:

در تداوم چارچوب طراحی شهری تهیه می‌شود، در آن صورت راهبردهای کانونی که به عنوان خروجی چارچوب تدوین می‌شود، به نوعی رهنمودهای تهیه طرح جامع فضایی واقع می‌شود.

در شرایطی که طرح جامع فضایی مستقل از چارچوب طراحی شهری و در فقدان آن تهیه شود، در آن صورت بخش کلیدی

فرآیند تهیه طرح جامع فضایی

راهنماهای طراحی تولیدشده در بالا برای این مأموریت کفایت می‌کند.

نتیجه‌گیری

استفاده موفق از سند «چارچوب طراحی شهری» مستلزم تطابق اصولی و فرآیندمحور میان فرآورده و محصولات آن با اسناد قانونی و برنامه توسعه فراگیر شهر است. با توجه به ماهیت این سند، در شرایط موجود و محتوای قوانین جامع شهرسازی کشور، بستر ایجاد این تطابق فراهم نیست و اسناد برنامه توسعه شهرها از بعد رویه‌ای فاقد چنین فرآیندی است. مهم‌ترین چالش بهره‌گیری از این سند مسئله آموزش روش و فنون نحوه تهیه آن است، به طوری که استنباط جامع و اصولی همچنین اتفاق نظر از فرآیند و محتوای فرآورده آن در مدارس شهرسازی و طراحی شهری کشور موجود نیست و هرکدام در بخشی متفاوت از نمودار آگاهی از محتوای بلوغ دانش طراحی شهری قرار دارند. بسیاری از دانشکده‌های طراحی شهری کماکان این رشته را فرآورده‌محور تلقی می‌کنند. همچنین این چالش سبب شده که جامعه حرفه‌ای و کارفرمایی نیز دچار اغتشاش و سوءبرداشت از اصول و محتوای دستاورد این سند باشد. با توجه به نکاتی که درخصوص تفاوت‌ها و سوءبرداشت‌ها از فرآیند و فرآورده‌های «چارچوب طراحی شهری» آن گونه که در اصالت سند آمده مطرح شده، چنانچه ارائه این مطالعات، آگاهانه و با هدف بومی‌سازی و انطباق با بستر شرایط موجود ایران باشد، در آن صورت شاید لازم باشد که عنوان متفاوتی نیز متناسب با فرآیند و خروجی‌های تعریف‌شده برای آن برگزیده شود. درخصوص خدماتی که تحت عنوان «طرح جامع سه‌بعدی» معرفی شده، نظر به اینکه این مطالعات طراحی شهری ماهیتاً جهت ایجاد اتفاق نظر و چانه‌زنی میان گروه‌های ذینفع و مدیریت عمرانی شهری انجام می‌شود، فاقد جایگاه یک سند اجرایی و قانونی است. لذا امکان بهره‌گیری از آن در شرایط قوانین کشور وجود دارد. لیکن لازم است در فرآیند تهیه آن «چارچوب راهبردی» اصولی بدین منظور تدوین و در فرآیند تهیه آن خواسته‌های گروه‌های ذینفع و همچنین مشارکت و نظارت جامعه بهره‌بردار در دستور کار قرار بگیرد.

پی‌نوشت‌ها

۱. جهت کسب اطلاعات بیشتر از این شرح خدمات، صفحه اول آن در تصویر ۱ آورده شده است.
۲. چشم‌انداز آغازین در بخش مطالعات پایه به منزله تلخیص دیدگاه‌های قبلی و تدوین رویکرد مواجهه با آن است.
۳. در کشور انگلستان فرآیند پشتیبان پارادایم برنامه‌ریزی فضایی در درجه نخست حامی چشم‌انداز مطلوب اجتماعات محلی برای توسعه مکان‌ها است و در صورت عدم موافقت مالکین اراضی، ملک مربوطه الزاماً خریداری و در اختیار جوامع محلی جهت شکل‌دهی چشم‌انداز ایشان قرار می‌گیرد.

- چارچوب راهبردی
- رهنمودها و ایده‌های طرح جامع فضایی
- برنامه تحقق‌پذیری و اجرا

- چارچوب راهبردی شامل دو سطح دستور کار است:

رهنمودهایی که از مطالعات فراگیر سایت جهت تعیین نقش و راهبری ارائه می‌شود و اصول و کدهای طراحی که در تداوم رهنمودهای نخست و پس از مطالعات تفصیلی سایت ارائه می‌شود که مبنای طراحی و ایده‌های طرح جامع پیشنهادی واقع می‌شود. اولین قدم در فرآیند تهیه این طرح انجام مطالعات چارچوب راهبردی است که طی آن ضروری است گروه‌های تصمیم‌گیر و ذینفع شناسایی و ذهن‌کاوی شوند. مطالعه رهنمودهای اسناد فرادست به ویژه اسناد کیفی فرادست برای این کار لازم است و در صورت فقدان چنین خروجی‌هایی ضروری است یک پهنه راهبردی تعیین و مطالعات کیفی لازم ابتدا در کل پهنه فراگیر صورت پذیرد. شامل مطالعات شناخت وضعیت در زمینه‌های کیفی و کمی و امکان‌سنجی اقتصادی و مطالعات کیفی در سطح بسیار تفصیلی با هدف تولید دستور کار و اصول طراحی. در این مطالعات نظم بصری مکان، نظام عرصه عمومی در جهت اتصال مکان‌ها و نظم کالبدی مورد تأکید است. شرح خدمات فوق اشاره‌ای به مباحث شناخت تفصیلی و محتوای آن ندارد. در مرحله سنجش وضعیت پتانسیل‌های شکل‌گیری سایت تحلیل و ممیزی می‌شود.

رهنمودها و ایده‌های طرح جامع فضایی

در این مرحله براساس خروجی‌های چارچوب راهبردی و دستور کار طراحی آلترناتیوهای طرح جامع با اهداف و راهکارهای متفاوت و حتی برنامه متفاوت تدوین می‌شود و با توجه به منافع ذینفعان و بهره‌برداران از روش جدول موازنه برنامه‌ای (Planning Balance Sheet) استفاده و نظر بهره‌برداران ارزیابی و بهینه‌یابی می‌شود. از چالش‌های کلیدی شرح خدمات طرح جامع در بعد رویه‌ای مرحله تولید ضوابط کنترل است. ضوابط کنترل و کدهای طراحی به منظور هدایت محتوای مطلوب طرح جامع فضایی ارائه می‌شود، در صورتی که شرح خدمات پیشنهادی تولید ضوابط و معیارهای طراحی شهری (بند ۶-۲-۶) پس از تهیه طرح جامع تولید و ارائه و خود به عنوان بخشی از خروجی‌های طرح تدوین شده است. شاید تصور شود که شرح خدمات به قصد تولید ضوابطی ثانوی جهت راهبری طراحی معماری مجموعه است، اما چنین تصویری درست نیست، زیرا مجموعه اصول طراحی و نمود حجمی طرح جامع فضایی در عمل محتوای قسمت اول فاز یک خدمات طراحی معماری را نیز هدایت و تولید کرده است و بقیه کار نوآوری معمارانه است که در ضوابط نمی‌گنجد و



شرح خدمات

تهیه چارچوب طراحی شهری و طرح جامع سه بعدی

۱- تعریف و تحدید دامنه مطالعه و تدوین چشم‌انداز مقدماتی

- ۱-۱- بررسی چشم‌انداز طرح از دیدگاه مسئولین و مردم
- ۱-۲- بررسی اسناد فرادست
- ۱-۳- نتیجه‌گیری: تدوین چشم‌انداز مقدماتی حوزه محلی

۲- سنجش وضعیت

۲-۱- سنجش وضعیت حوزه راهبردی

- ۱- بازنشانی اصولی دامنه و ماهیت تاثیر‌گذاری و تاثیرپذیری متقابل دو حوزه راهبردی و حوزه محلی از نظر

۱-۱- نظام کاربری زمین و فعالیت

۱-۲- نظام حرکت و دسترسی

۱-۳- نظام استخوانبندی فضاهای مکانی

۱-۴- نظام فرم کالبدی

۱-۵- نظام منظر شهری

(توضیح: از یافته‌های این بخش در مرحله سیاست‌گذاری برای تدوین سیاست‌هایی که زمینه همپوندی و یکپارچگی موزون حوزه محلی و حوزه راهبردی را فراهم آورد و تعامل سینتریک دو حوزه را موجب گردد استفاده خواهد شد)

۲- تعیین نقش حوزه محلی در نظام کلان حوزه راهبردی

(توضیح: از یافته‌های این بخش در مرحله چشم‌انداز سازی استفاده خواهد شد)

۲-۲- سنجش وضعیت حوزه محلی

۲-۲-۱- سنجش وضعیت، بعد رویه‌ای:

۲-۱- الف- بررسی محیط تاریخی (سیر تحول و دوره‌ها)

۲-۱- ب- بررسی محیط حقوقی

۲-۱- ب- بررسی مطالعات، اسناد و طرح‌های مصوب فرادست و در دست تهیه

۲-۱- ب- بررسی مالکیت اراضی

۲-۱- ب- بررسی حقوق مکتسبه

۲-۱- ج- بررسی محیط اجتماعی

تصویر ۱. صفحه اول از چارچوب طراحی شهری و طرح جامع سه‌بعدی. مأخذ: مهندسان مشاور نقش پیراوش.

فهرست منابع

- ذکاوت، کامران. (۱۳۹۷). جایگاه و محتوای اسناد طراحی شهری در نظام برنامه‌ریزی فضایی (مقدمه‌ای بر روش‌ها و فنون طراحی شهری). تهران: آذرخش.
- Christmann, G. B., Ibert, O., Jessen, J. & Walther, U. J. (2020). Innovations in spatial planning as a social process—phases, actors, conflicts. *European Planning Studies*, 28(3),

496-520.

- Davoudi, S. & Strange, I. (2008). *Conceptions of Space and Place in Strategic Spatial Planning*. Abingdon: Routledge.
- Dühr, S. (2007). *The visual language of spatial planning: exploring cartographic representations for spatial planning in Europe*. London: Routledge.
- Faludi, A. (2000). The performance of spatial planning. *Planning practice and Research*, 15(4), 299-318.
- French, S. (1988). Planning under Pressure: The Strategic Choice Approach. *Journal of the Operational Research Society* 39(11), 1067-68.
- Harary, F., Jessop, N., Luckman, J. & Stringer, J. (1965). Analysis of interconnected decision areas: An algorithm for project development. *Nature*, 206(4979), 118-118.
- Mastop, H. & Needham, B. (2000). The Performance Principle in Strategic Planning. In Salet, W., & Faludi, A. (Eds.), *The revival of strategic planning: Proceedings of the colloquium*. Amsterdam: Royal Netherlands Academy of Arts and Sciences.
- Mastop, H. & Faludi, A. (1997). Evaluation of strategic plans: the performance principle. *Environment and Planning B: Planning and design*, 24(6), 815-832.
- Morphet, J. (2011). *Effective Practice in Spatial Planning*. London: Routledge.
- Roodbol-Mekkes, P. H. & Van den Brink, A. (2015). Rescaling spatial planning: Spatial planning reforms in Denmark, England, and the Netherlands. *Environment and Planning C: Government and Policy*, 33(1), 184-198.
- Salet, W. & Faludi, A. (1999). *The revival of strategic planning: Proceedings of the colloquium*. Amsterdam: Royal Netherlands Academy of Arts and Sciences.
- Strydom, W., Puren, K. & Drewes, E. (2018). Exploring theoretical trends in placemaking: Towards new perspectives in spatial planning. *Journal of Place Management and Development*.

COPYRIGHTS

Copyright for this article is retained by the author(s), with publication rights granted to the Bagh-e Nazar Journal. This is an open-access article distributed under the terms and conditions of the Creative Commons Attribution License (<https://creativecommons.org/licenses/by/4.0/>).



نحوه ارجاع به این مقاله:

ذکاوت، کامران. (۱۴۰۱). نقدی بر شرح خدمات چارچوب طراحی شهری. *باغ نظر*, ۱۹(۱۰۹), ۸۹-۹۶.

DOI:10.22034/BAGH.2022.319854.5093

URL:http://www.bagh-sj.com/article_151468.html